

نکته‌هایی از معارف حسینی

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده

قتیل العبرات

«قتیل العبرات» یکی از القاب امام حسین علیه السلام و به معنای کشته اشک هاست. این صفت، در زیارت‌نامه‌ها نیز برای ایشان به کار رفته است؛ از جمله «وصل علی الحسین المظلوم، الشهيد الرشید، قتیل العبرات و اسیر الکربات...». همچنین از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود:

انا قتیل العبرات؛

من کشته اشک‌هایم.

همچنین فرمود:

انا قتیل العبرة، لایذکرنی مؤمن الاستعبر؛

من کشته اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند، مگر آن‌که اشک به چشمانش می‌آید.

شدت محبت و ارادت افراد باایمان و پاک‌سرشت به امام حسین علیه السلام باعث می‌شود با یادآوری واقعه کربلا و مصیبت بزرگ ایشان چشم‌هایشان گریان شود. براساس روایات، خداوند برای این اشک‌های برخاسته از محبت و معرفت، پاداشی بزرگ عنایت می‌فرماید.

تباهی دنیا

امام حسین علیه السلام در هنگام سفر به کربلا فرمود:

به راستی این دنیا دگرگونه و ناشناس شده و معروفش پشت کرده و از آن جز نمی که برکاسه نشیند و زندگی ای پست، همچون چراگاه تباه، چیزی باقی نمانده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟ در چنین وضعی، مؤمن به لقای خدا سزاوار است و من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی بینم. به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آن هاست و مادام که برای معیشت آن ها باشد، پیرامون آنند و وقتی به بلا آزموده شوند، دین داران اندکند.

خطبه امام حسین علیه السلام در هنگام خروج به سوی عراق

سپاس خدای را و همان خواهد شد که خدا می خواهد و حول و قوه ای نیست مگر از خدا. درود و سلام خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله او باد! مرگ بر فرزندان آدم چونان گردن بند برگردن دخترکان نقش بسته است. چقدر شیفته دیدار گذشتگان خود هستیم! چونان اشتیاق یعقوب به یوسف. برای من قتلگاهی اختیار شده که آن را خواهم دید. گویی می بینم که گرگ های بیابان، بندهای پیکرم را میان نوایس و کربلا، پاره پاره می کنند و از تن من شکم هایی گرسنه و خالی پرمی شود. از روزی که با قلم [قضای الهی] نگاشته آمده، گریزی نیست. خشنودی خدا، خشنودی ما اهل بیت علیهم السلام است. ما بر آزمون او، شکیب می ورزیم و او پاداش شکیبایان را به کمال به ما می پردازد. پاره تن رسول الله صلی الله علیه و آله از او دور نشود و اینان در فردوس برین برای حضرتش صلی الله علیه و آله گرد آمده اند و دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدن آن ها آرام گیرد و وعده اش را برای آن ها بر آورد. هر کس در راه ما خون می دهد و برای دیدار ما (لقاء الله) آماده است، پس کوچ کند که من به خواست خدا، صبح، کوچنده ام.

ثارالله

از جمله القاب امام حسین علیه السلام که در زیارت نامه خطاب به آن حضرت گفته می شود،



ثارالله به معنای خون خداست. در زیارت عاشورا آمده است:

السلام عليك يا ثارالله وابن ثاره.

این تعبیر، در زیارت‌های دیگر نیز از جمله زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام در اول رجب و نیمه رجب و شعبان و زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه آمده است. در زیارتی نیز که امام صادق علیه السلام به عطیه آموخت، آمده است:

وانك ثارالله في الارض من الدم الذي لا يدرك ثاره من الارض الا بوليائك.

شدت همبستگی و پیوند سیدالشهدا علیه السلام با خدا به گونه‌ای است که شهادتش همچون ریخته شدن خونی از قبیله خدا می‌ماند که جز با انتقام‌گیری و خون‌خواهی اولیای خدا، تقاص نخواهد شد. القاب دیگری نیز مانند قتیل الله و ثارالله در زیارت‌نامه است که گویای همین نکته است.

سیدالشهداء

سیدالشهدا نیز یکی از القاب امام حسین علیه السلام است. پیش از شهادت حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام، لقب سیدالشهدا به حضرت حمزه، عموی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اختصاص داشت که در جنگ احد به شهادت رسید و رشادت‌های او در دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و حریم اسلام زبانزد همگان بود؛ ولی پس از شهادت امام حسین علیه السلام در بسیاری از روایات لقب سیدالشهدا برای ایشان به کار رفته است. بسیاری از ائمه علیهم السلام از جمله امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام این لقب را برای امام حسین علیه السلام به کار برده‌اند.

امام صادق علیه السلام به «ام سعید احمسیه» که مرکبی کرایه کرده بود تا در مدینه بر سر قبور شهدا برود، فرمود: «آیا به تو خبر دهم که سرور شهیدان (سیدالشهدا) کیست؟» گفت: «آری.» فرمود: «حسین بن علی علیه السلام است.» پرسید: «او سیدالشهدا است؟» فرمود: «آری.»

زینب کبری علیه السلام و میثم تمار نیز از این لقب برای اشاره به امام حسین علیه السلام استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد لقب سیدالشهدا برای حضرت حمزه به معنای این است که او سید و سرور شهدای زمان خودش بوده است تا زمان شهادت امام حسین علیه السلام و از آن پس

امام حسین علیه السلام سید و سرور شهدای همه زمان‌ها بوده و هست.

جنايات سپاه عمر بن سعد در عصر عاشورا

پس از شهادت جانشوز اباعبدالله الحسین علیه السلام و هفتاد و دو تن از یاران فداکاری در صبح و عصر عاشورا، دشمنان اهل بیت علیهم السلام جنایات‌های دیگری در عصر عاشورا مرتکب شدند که به طور اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. غارت خیمه‌های حسینی

سپاهیان عمر بن سعد، به ویژه جنایت‌کاران گروه نابکار و سفاک شمر بن ذی الجوشن، پس از شهادت امام حسین علیه السلام به خیمه‌های آن حضرت یورش بردند و آن‌ها را غارت کردند و چارپایان، لباس‌ها، صندوق‌ها، اسلحه‌ها، خوارکی‌ها و هر چه یافتند، به یغما بردند.

آنان، حتی حریم اهل بیت علیهم السلام را مراعات نکردند و زیورآلات و البسه بانوان را به اجبار از آنان ستاندند و به تاراج بردند؛ به طوری که زنان اهل بیت علیهم السلام به ناچار به عمر بن سعد پناهنده شدند و از شدت جنایت‌کاری شمر و گروه نابکارش شکایت کردند. با این‌که عمر بن سعد به ظاهر دست‌ور داد از غارت خیمه‌ها دست بردارند، اما منافقان و جنایت‌کاران به پست فطرتی و فرومایگی خویش ادامه دادند.

۲. آتش زدن خیمه‌ها

پس از غارت، خیمه‌ها را آتش زدند. در اندک مدتی تمامی خیمه‌ها و هر چه در آن‌ها بود، در آتش ظلم یزیدیان سوخت و نابود شد و حتی جان بازماندگان و یتیمان کاروان حسینی، با خطر آتش‌سوزی مواجه گردید و بدین منظور، زینب کبری علیها السلام به آنان دست‌ور داد برای درمان ماندن از آتش سوزان دشمن، از خیمه‌ها بیرون روند و به اطراف پناهنده شوند.



۳. اسب دوانی بر پیکر شهیدان

عمر بن سعد، بنا به دستور کتبی عبیدالله بن زیاد، پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یاران او در کربلا، تصمیم به اسب دوانی بر پیکرهای خونین شهیدان گرفت. ده نفر از منافقان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام برای این کار پیش قدم شدند و پس از نعل بندی اسبان خویش، بر پیکرهای شهیدان کربلا اسب تاختند و پیکرهای پراز جراحت و بی سر شهیدان را درهم شکستند.

۴. ارسال سرمقدس امام حسین علیه السلام به کوفه

عمر بن سعد، برای خوش خدمتی بیشتر به دستگاه ظالمانه اموی، دستور داد سر بریده امام حسین علیه السلام را در عصر عاشورا با شتاب و سرعت به کوفه ببرند و عبیدالله را از پایان یافتن غائله کربلا با خبر گردانند. مأموریت رساندن سرمقدس امام حسین علیه السلام بر عهده خولی بن یزید اصبحی گذاشته شد. وی شب هنگام به کوفه رسید و در آن وقت، دارالاماره بسته بود. از این رو شب را در خانه خویش گذرانید و سر امام حسین علیه السلام را از ترس همسرش در تنوری پنهان کرد و در بامداد روز یازدهم به دارالاماره رفت و سر آن حضرت را به عبیدالله بن زیاد تحویل داد.

